

تحلیل روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در عراق در قالب تئوری حرکت‌ها

محمدعلی شهریاری*

تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۲/۲۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۶/۲۰

تحولات سیاسی - امنیتی و تغییرات ژئوپلیتیکی عراق جدید، از سال ۲۰۰۳، منجر به ارتقای جایگاه جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های سیاسی - امنیتی خاورمیانه، از جمله عراق شده که به‌طور سنتی در حوزه تأثیرگذاری آمریکا، عربستان و رژیم صهیونیستی بوده است. جمهوری اسلامی ایران نیز از این فرصت‌ها، سعی در شناسایی ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و ارزش‌های خود و نفوذ هر چه بیشتر در خاورمیانه کرده است. این جریان به زیان عربستان سعودی تحلیل و تفسیر می‌شود. لذا عربستان نیز در این بازی به دنبال راهکارهایی است تا از توسعه نفوذ سیاسی و معنوی جمهوری اسلامی ایران در منطقه جلوگیری به‌عمل آورد و تمهیداتی برای موازنه‌سازی قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران تدارک ببیند. در این میان عراق اولین حوزه انعکاس سیاست‌های رقابتی ایران و عربستان است. تقابل جمهوری اسلامی ایران و عربستان به‌گونه‌ای است که شواهدی بر تطبیق قاعده حاصل جمع جبری صفر بر روابط این دو کشور در عراق وجود دارد که در آن عربستان به بازیگر کمینه‌گر و ایران نیز بازیگر بیشینه‌گر محسوب می‌شود. بر همین اساس، سیاست خارجی عربستان در خاورمیانه بر مبنای سد نفوذ جمهوری اسلامی ایران استوار می‌باشد. در مقاله تلاش شده است در قالب نظریه بازی‌ها و تئوری حرکت‌ها و به شیوه توصیفی - تحلیلی و روش عقلی و تجربی، سیاست خارجی ایران و عربستان سعودی مورد بررسی قرار گیرد تا به این طریق رقابت آنها در حوزه‌های دیگر خاورمیانه قابل درک باشد.

کلیدواژه‌ها: جمهوری اسلامی ایران؛ نظریه بازی‌ها؛ خاورمیانه؛ سیاست خارجی؛ عراق؛ عربستان

* دکتری علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر؛

مقدمه

فرضیه افزایش نقش و تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران در مسائل سیاسی - امنیتی خاورمیانه بعد از بحران عراق در سال ۲۰۰۳، از موضوعات مهم جاری در تجزیه و تحلیل مسائل خاورمیانه است. تحولات منطقه خاورمیانه به گونه‌ای رقم خورده که شیعیان را از گروهی در حاشیه و به دور از قدرت سیاسی به نیروهایی مهم و تأثیرگذار در منطقه تبدیل کرده است و این امر به علت ماهیت شیعی دولت جمهوری اسلامی ایران، سبب بالا رفتن نقش منطقه‌ای آن، افزایش قدرت چانه‌زنی و در نهایت به هم خوردن موازنه نیروها در خاورمیانه شده و موقعیت جمهوری اسلامی ایران را ارتقا داده است. لذا دولت‌های رقیب به رهبری عربستان سعودی به دنبال راهکارهایی هستند تا از توسعه نفوذ اندیشه‌های سیاسی و معنوی جمهوری اسلامی ایران که منجر به تهدیداتی برای حکومت و سیاست‌های آنان است جلوگیری به عمل آورده، ایران را به چالش کشیده و تمهیداتی برای موازنه‌سازی قدرت منطقه‌ای آن تدارک ببینند. تا جایی که خاورمیانه بیشتر به صحنه رقابت این دو کشور تبدیل شده است.

یکی از حوزه‌های انعکاس رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان؛ عراق است. تقابل این دو رقیب، به گونه‌ای است که شواهدی بر تطبیق قاعده حاصل جمع جبری صفر بر روابط آنها در عراق وجود دارد. بر همین اساس این مقاله در چارچوب نظریه بازی‌ها (تئوری حرکت‌ها) و قاعده حاصل جمع جبری صفر، به بررسی رقابت‌های این دو قدرت منطقه‌ای می‌پردازد که نقطه آغاز حرکت آن عراق است و در حوزه دیگر خاورمیانه نیز تعمیم یافته است.

۱. بنیان نظری مقاله

نظریه بازی‌ها^۱ حوزه‌ای از ریاضیات کاربردی است که در بستر علم اقتصاد توسعه یافته و به مطالعه رفتار راهبردی بین «عوامل عقلانی» می‌پردازد. رفتار راهبردی، زمانی بروز می‌کند که مطلوبیت هر عامل، نه فقط به راهبرد انتخاب شده توسط خود وی بلکه به راهبرد

انتخاب شده توسط بازیگران دیگر هم بستگی داشته باشد. زندگی روزمره ما، مثال‌های بی‌شمار از چنین وضعیت‌هایی دارد (عبدلی، ۱۳۸۶: ۱۹). رقابت دو کشور برای دستیابی به انرژی هسته‌ای یا دستیابی به یک منطقه استراتژیک، سازوکار حاکم بر روابط بین دو کشور در حل یک مناقشه بین‌المللی و ... نمونه‌هایی از این بازی‌ها در حوزه سیاست خارجی هستند که نتیجه آنها بر اساس حاصل جمع جبری صفر قابل تبیین است.

۱-۱. کاربرد و مفاهیم نظریه بازی‌ها

این تئوری از موقعیت‌های رقابتی بحث می‌کند که در آن دو یا چند رقیب هوشمند با منافع متضاد به رقابت با هم می‌پردازند. در این رقابت بازیگران چندین انتخاب پیش‌رو دارند و هر بازیگر تلاش می‌کند دریافت خود را بهینه سازد (عرب، ۱۳۷۸: ۱۶۳). در این بازی هر بازیگری که به دنبال بیشتر کردن، کمترین امتیازی است که مطمئن در به دست آوردن آن است و در پی کم کردن بیشترین ضرری است که تحمل آن اجتناب‌ناپذیر است، بازیگر کمینه‌گر^۱ می‌گویند (حقیقت، ۱۳۸۵: ۱۸۴-۱۸۳؛ سیف‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۹۵). در مقابل، بازیگر بیشینه‌گر^۲ بازیگری است که در بازی دو نفره با حاصل جمع ثابت سعی دارد پیامد کمینه ناشی از یک استراتژی را برای خود بیشینه سازد (سیف‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۹۵). در نظریه بازی‌ها مفهومی داریم به نام تعادل نش^۳؛ در بازی، دست کم یک راهبرد برای به دست آوردن بهترین نتیجه برای هر بازیکن قابل انتخاب است و چنانچه بازیکن راهکار دیگری به غیر از آن را انتخاب کند، نتیجه بهتری به دست نخواهد آورد. به این وضعیت «تعادل استراتژی» (مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۱۳۵) یا نقطه زینی^۴ نیز می‌گویند (لیتل، ۱۳۷۲: ۸۵).

ماتریس بازده‌ها^۵ از دیگر مفاهیم موجود در نظریه بازی‌ها، ماتریس پیامدهاست که به آرایش مستطیل شکل از پیامدهای گوناگون بازی گفته می‌شود. سطرهای این مستطیل

1. Minimizing Player
2. Maximizing Player
3. Nesh Equilibrium
4. Saddle Point
5. Payoffs Matrix

متناظر با استراتژی‌های خودمان و ستون‌های آن متناظر با استراتژی‌های حریف است (ونتسل، ۱۳۷۳: ۱۲).

۲-۱. قواعد بازی در نظریه بازی‌ها

۱. بازی با حاصل جمع صفر: $0 = (-1) + (+1)$ مثل تلاش دو کشور برای به دست آوردن یک سرزمین خاص.

۲. بازی با حاصل جمع غیر صفر: در الگوی «بازی با حاصل غیر صفر»، هر دو بازیکن امتیاز کسب می‌کنند و تنها درصد کسب امتیازها با یکدیگر تفاوت دارد.

۳. بازی با حاصل جمع متغیر: در این نوع بازی صرفاً تعارض بر سر منافع بازیگران حاکم نیست، بلکه بازیگران می‌توانند با اتخاذ استراتژی‌های انتخابی خود بر سرنوشت جبری واقعیات مبادلاتی بین خود تأثیر گذارند (سیف‌زاده، ۱۳۷۶: ۲۷۹).

۳-۱. رهیافت نظریه بازی‌ها

در نظریه؛ تصمیم عقل‌گرایانه، رفتاری است که بر تصمیمی که انتظار می‌رود طرف مقابل اتخاذ کند، مبتنی شده باشد (همان: ۱۹۲). به عبارتی عقلانی‌ترین فعل یک کنشگر، رفتاری است که بر واکنش به تصمیم یا فعل طرف مقابل مبتنی شده است.

رهیافت نظریه بازی‌ها، مبانی فلسفی نظریه موازنه قوا را قبول دارد. مبانی فلسفی موازنه قوا همان مبانی فلسفی واقع‌گرایی است. علاوه بر آن سعی دارد با اضافه کردن ریاضیات و کاربرد منطق صوری، به توصیف و تبیین تحولات بین‌الملل بپردازد. تنها تفاوت آن با نظریه موازنه قدرت در این است که در نظریه بازی‌ها، مبانی فکری نظریه موازنه قدرت به سطح تحلیل خرد تحویل شده و در قالب بازی دو یا چند نفره بررسی شده است.

۴-۱. تحول در نظریه بازی‌ها

پروفسور استیون برامز،^۲ شیوه تعمیمی برای نظریه بازی‌ها پیدا کرده که نظریه حرکت -

1. Zero-sum Game

2. Steven J. Brams

حرکت یا نظریه حرکت‌ها^۱ خوانده می‌شود. وی نشان می‌دهد که چگونه با واکنش هر بازیکن به راهبرد بازیکن دیگر، بازی تکامل می‌یابد (Brams and Tagman, 1998: 34). به عبارتی، بازیگران نه تنها در ذهن خود آثار فوری حرکات را در نظر می‌آورند بلکه به آثار ضد حرکت‌ها^۲ یا واکنش‌های این حرکات‌ها و ضد ضد حرکت‌ها^۳ توجه دارند (Ibid.: 1). در تئوری حرکت‌ها به جای گزینش استراتژی‌هایی از سوی دو بازیگر در ماتریس بازده، بازیگران از یک نتیجه در ماتریس آغاز می‌کنند و در جریان بازی است که تصمیم می‌گیرند حرکت کنند یا حرکت نکنند (Brams, 1994: 4). بنابراین در تئوری حرکت‌ها، قواعد بازی نیز در جریان بازی و از سوی بازیگران، تعیین و عملیاتی می‌شوند. در نظریه کلاسیک بازی‌ها، بازیگر همزمان در ماتریس بازی، استراتژی‌هایی را برمی‌گزیند که آثار انتخاب، آنها را روشن می‌کرد اما در تئوری حرکت به جای اینکه بازی با گزینش یا استراتژی آغاز شود، فرض می‌شود که بازیگران در آغاز بازی در چندین وضع قرار داشته‌اند یا چنین وضع را می‌توانند انتخاب کنند. بر پایه این بازده‌ها آنان باید به تنهایی تصمیم بگیرند که این وضع را برای اینکه بهتر شود تغییر دهند یا نه (Ibid., 2001: 3). تئوری بازی قائل به تداوم بازی است. از همین رو جابه‌جایی واکنش‌های بازیگران و در پیش گرفتن موضع سخت و نرم همواره تکرار می‌شود و این حرکات‌ها و ضد حرکات‌ها در بازی جریان دارد (Brams and Tagman, 1998: 33). یک مفهوم کلیدی مختص تئوری حرکت‌ها؛ مفهوم «قدرت تهدید» است. بازیگری قدرت تهدید دارد که بتواند نسبت به رقیب خود وضع نامطلوب و کم بازده را بیشتر تاب آورد (Ibid.: 3).

به نظر می‌رسد در منطقه خاورمیانه جنگ سردی بر روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی حاکم است. لذا استفاده از نظریه بازی‌ها که برای تبیین وضعیت جنگ سرد کاربرد مناسبی دارد بهتر می‌تواند سیاست‌های منطقه‌ای آنها را در خاورمیانه تحلیل و تبیین کند. کسب جایگاه رهبری در جهان اسلام و قدرت منطقه‌ای و محبوبیت سیاسی در بین گروه‌های سیاسی و دولت‌های عرب منطقه خاورمیانه، تلاش برای توسعه نفوذ و کسب

1. Moves Theory

2. Countermoves

3. Counter-Countermoves

موقعیت‌های استراتژیک در خاورمیانه؛ از جمله مواردی است که بین این دو کشور براساس نظریه بازی‌ها قابل تحلیل می‌باشند. در این بازی، عربستان به دنبال کسب موقعیت از دست رفته خود است؛ لذا بازیگر کمینه‌گر و جمهوری اسلامی ایران به دنبال توسعه نفوذ و افزایش قدرت تهدید خود می‌باشد؛ بنابراین بازیگر بیشینه‌گر محسوب می‌شوند. این مورد را با نوع رفتار جمهوری اسلامی ایران در یمن و رفتار عربستان در سوریه و بحرین می‌توان تصدیق کرد. در سوریه، عربستان دنبال رها کردن اهداف و منافع خود است به شرط اینکه ایران، یمن را رها کند. ولی ایران در یمن علاوه بر منافع خود در سوریه دنبال کسب موقعیت بهتری برای شیعیان یمن است تا موقعیت انصار الله یمن را به مانند موقعیت حزب الله لبنان ارتقاء دهد. در این مورد سندی وجود دارد که در آن عربستانی‌ها گفته‌اند ما سوریه را رها می‌کنیم و شما یمن را رها کنید (<http://jahannews.com/433272>). این استراتژی‌ها همه در ادامه حرکت‌ها و ضدحرکت‌های ایران و عربستان در عراق صورت می‌گیرد.

۲. مروری بر روابط رقابت‌آمیز ایران و عربستان

آغاز روابط ایران و عربستان به تأسیس سلسله آل سعود به سال ۱۹۳۲ برمی‌گردد، اما این روابط اهمیت چندانی نداشت تا اینکه در عراق کودتایی در سال ۱۹۵۸ اتفاق افتاد که سرنگونی ملک فیصل پادشاه عراق را در پی داشت و این مسئله آغازی برای بروز شورش‌های پوپولیستی علیه رژیم‌های سلطنتی شد. همچنین باعث نگرانی دولت‌های سلطنتی ایران و عربستان شد و آغاز یکسری کارهای مشاوره‌ای و اجرایی در جهت هماهنگ‌سازی سیاست‌های منطقه‌ای دو کشور و نزدیکی خاندان پهلوی و سعودی را در پی داشت (Furtig, 2007: 628). به عبارتی منافع مشترک ایران و عربستان سعودی در جهت حفظ رژیم‌های سیاسی و اهداف اقتصادی و خطر بروز انقلابات سوسیالیستی و رادیکال در منطقه و حصول اطمینان از جریان پایدار انرژی و افزایش قدرت صادرات دو کشور روابط آنها را تا سال ۱۹۷۹ تحت تأثیر قرار داده بود. علاوه بر این، این دوره از روابط دوستانه مبتنی بر وجود ساختارهای سیاسی مشابه بود که اهداف و سیاست‌های داخلی و خارجی همسویی را ایجاب کرده بود. به گفته «دیوید لانگ» رویارویی سیاسی خلیج

فارس قبل از انقلاب ایران؛ رویارویی شیعه و سنی و عرب و فارس نبود بلکه بیشتر برخورد بین محافظه‌کاری و رادیکالیسم بود (که در این حوزه تنش ایجاد می‌کرد) (Ibid.).

این مسئله قابل توجه است که ایران و عربستان در برابر جریان‌ات متضاد؛ بحث دشمنی فرقه‌ای بین شیعه و سنی و اختلافات فرهنگی، زبانی و مذهبی، تحت تأثیر مسائل داخلی متأثر از سیاست‌های دولتمردان و سیاست‌های بین‌المللی، روابط دوستانه و هماهنگی را برقرار نموده بودند و این مسائل آنها را بهم پیوست می‌داد. تا اینکه انقلاب ایران به سال ۱۹۷۹ و تغییر در سیاست‌های ایران، موفقیت‌های اولیه روابط دو کشور را تحت تأثیر قرار داد و سیاست خارجی ایران وضع موجود را به چالش کشید و مشروعیت حکومت پادشاهی منطقه را تهدید کرد. پیروزی انقلاب در ایران اتحاد و ائتلاف دو کشور را از هم پاشید و نهایتاً به قطع روابط دیپلماتیک آنها در سال ۱۹۸۸ انجامید (Okruhlik, 2003: 116).

هرچند این دو کشور تا ۱۹۷۹، در چارچوب سیاست‌های جهانی آمریکا، همکاری و همسویی تنگاتنگی داشتند اما در بطن این همکاری‌ها همچنان نوعی تضاد و رقابت وجود داشت و عربستان به‌طور مدام نگران قدرت مسلط ایران در منطقه بود. این نگرش با تغییر رژیم سیاسی در ایران و تحولات دیگر که به ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران انجامیده، شدیدتر شده است. لذا در این مورد می‌توان نتیجه‌گیری کرد که رویارویی ایران و عربستان به دلیل عوامل ذکر شده، تحت تأثیر مسائل سیاسی رژیم‌ها و سیاست منطقه‌ای بلوک غرب قرار گرفته بود و آتشی زیر خاکستر بود که تحت سایه رویارویی رادیکالیسم و محافظه‌کاری و سیاست دو ستونی نیکسون قرار گرفته بود.

در زمان قبل از انقلاب، عربستان نسبت به نیت ایران در زمینه‌های ذیل سوءظن داشت:

۱. واکنش به تقویت فزاینده نظامی ایران؛ هم در غرب و هم در دنیای عرب اظهار نگرانی می‌شد که تهران در صدد احیای امپراتوری کهن ایران از طریق توسعه‌طلبی ارضی یا اعمال کنترل بر حوزه‌های نفتی خلیج فارس است. این تصورات به هنگام بازپس‌گیری جزایر ابوموسی و تنب و تجدید حاکمیت ایران در آنجا در نوامبر ۱۹۷۱ تقویت شد. نقش نیروی دریایی ایران به‌عنوان ضامن حفظ امنیت خلیج فارس از مداخله خارجی، به‌خودی‌خود عاملی دیگر برای بدگمانی (اعراب) در منطقه بود.

۲. در واکنش به حضور ایران در عمان و تحکیم کنترل بر تنگه هرمز؛ با وجودی که دولت‌های میانه‌رو عرب از کنترل و سرکوب حرکت‌های چریکی مورد حمایت کمونیست‌ها در ظفار قلبا خوشحال و راضی بودند اما درعین حال نگران گسترش و تقویت حضور ایران بودند (مجتهدزاده، ۱۳۷۳: ۱۴۳-۱۴۲).

این ابراز نگرانی‌ها در بعد از انقلاب اسلامی ایران به علت ادعاهایی که ایران اسلامی نسبت به مدعیات ایدئولوژیک عربستان مطرح می‌کند و همچنین حضور ایران در حیات خلوت عربستان، نه تنها استمرار یافته، بلکه شدت گرفته است. امروزه جمهوری اسلامی ایران هم به تقویت قدرت نظامی و سخت‌افزاری خود تأکید دارد و هم از ابزارهای قدرت نرم خود در ژئوپولیتیک شیعه و گاهی فراتر از آن در ژئوپولیتیک سنی بهره می‌گیرد.

به عبارتی رقابت‌های ایدئولوژیک و ژئوپولیتیک ایران و عربستان مربوط به دوره بعد از انقلاب نیست. اعتقاد بر این است که بحث‌های ایدئولوژیک و تقابل اندیشه شیعی با اندیشه وهابی که ریشه تاریخی دارد و تا پیش از انقلاب ایران بنابر اقتضات منطقه‌ای و محیطی به حاشیه رانده شده بود پس از انقلاب تجدید شده است. البته پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، به سرعت ایدئولوژی سیاسی و انقلابی شیعه در مقابل ایدئولوژی وهابی قرار گرفت به نحوی که هر دو ایدئولوژی مشروعیت یکدیگر را زیر سؤال بردند (ساعی و علیخانی، ۱۳۹۲: ۱۱۲). بعد از انقلاب ۱۹۷۹، عربستان سعودی، ایران را به‌عنوان نیروی بی‌ثبات‌کننده منطقه به‌دلیل صدور انقلاب خود به دیگر کشورها متهم می‌کرد (Kechichian, 1999: 234). در مقابل جمهوری اسلامی ایران نیز عربستان سعودی را نالایق برای حفاظت از اماکن مقدس اسلام (و دست‌نشانده دولت‌های غربی) می‌دانست. ضمن اینکه ایدئولوژی امام خمینی (ره) به‌شدت ضد سلطنتی بود و تحت تأثیر آن روحانیت (شیعه) به اقتدار رسمی در سیاست و حکومت ایران دست یافته بودند و یک مشی پوپولیستی هم، کارکترهای روابط ایران و عربستان را تحت تأثیر قرار داده بود. به عبارتی ساختار سیاسی و سیاست داخلی ایران و عربستان نیز در تقابل مستقیم با هم بودند (Wehrey and et al., 2009: 3).

در کنار این بحث ایدئولوژیک، شکاف سیاسی نیز ایجاد شد. این شکاف سیاسی از یک سو ریشه در همپیمانی عربستان با ایالات متحده داشت و از سوی دیگر دیدگاه‌های

سیاسی ایران درباره منطقه همخوانی با افکار و عقاید سیاسی عربستان نداشت. چنانکه سوق دادن مسئله فلسطین از جنبه پان‌عربی به وجه اسلامی، سوق دادن موضوعات ضد رژیم صهیونیستی از محوریت عربستان به ایران و جلب توجه بسیاری از نیروهای انقلابی توسط ایران از جمله موضوعاتی بود که خوشایند رهبران عربستان نبود. از همین زمان بود که این دو کشور در سیاست‌های منطقه‌ای خود، دیدگاه‌های متفاوت و متعارض اتخاذ نموده و دور جدید روابط رقابت‌آمیز را با ریشه‌های تاریخی، ایدئولوژیک و ژئوپولیتیک در حوزه‌های مختلف خاورمیانه دنبال کردند. یکی از این حوزه‌ها کشور عراق است که اولین حوزه انعکاس سیاست‌های رقابت‌آمیز جمهوری اسلامی ایران و عربستان در خاورمیانه (غرب آسیا) محسوب می‌شود.

۳. تحولات عراق و تأثیر آن در قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

عراق کشوری است در خاورمیانه که از جنوب با عربستان و کویت، از غرب با اردن و سوریه، از شرق با جمهوری اسلامی ایران و از شمال با ترکیه همسایه است و از جنوب مرز آبی کوچکی با خلیج فارس دارد و از نظر هیدروپولیتیک رودخانه‌هایی دارد که از ترکیه و ایران سرچشمه می‌گیرند. حدود ۲۵ درصد از مسلمانان سنی (و عرب) در شمال بغداد، ۵۵ درصد مسلمانان شیعی مذهب که در قسمت‌های جنوبی و ۲۰ درصد جمعیت عراق کرد سنی مذهب هستند که در نواحی کوهستانی شمال زندگی می‌کنند (پرحلم و کاظمی، ۱۳۸۲: ۱۵).

عراق از زمان‌های قدیم محل تلاقی راه‌های تجاری و بازرگانی بین شبه جزیره عرب، آسیای میانه و هند بوده و محل تبادل اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها بین شرق و غرب است. اهمیت راهبردی و استراتژیک عراق برای ایران، راه ارتباطی به شرق مدیترانه و شامات است و همچنین عراق مکانی برای ارتباط سه جهان اسلامی عربی، فارسی و ترکی محسوب می‌شود و به دلیل گستره اراضی از خلیج فارس تا ترکیه، دروازه شرقی جهان عرب است. از طرف دیگر عراق؛ با تشکیل ائتلاف‌ها، تشکل‌ها و احزاب مختلف، هدف راهبردی و استراتژیک کشورهای غربی قرار گرفته و همواره به دلایل ذخایر نفتی عظیم و موقعیت

راهبردی و استراتژیک ممتاز، مورد توجهات بین‌المللی بوده است. در عراق، کردها که در مناطق مرتفع و نفت‌خیز متمرکزند با ایران ارتباط قومی و ساکنان جلگه‌های جنوبی عراق، از لحاظ مذهبی با ایران وجه مشترکی دارند. این دو گروه هم در استراتژی‌های جهانی در خصوص خاورمیانه و هم در استراتژی‌های منطقه‌ای و محلی حائز اهمیت می‌باشند (خالقی، ۱۳۸۷: ۸).

عراق از دهه ۱۹۷۰ تاکنون در روابط منطقه‌ای ایران و عربستان سعودی وزنه تعادل می‌باشد. با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، عربستان و سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در طول جنگ تحمیلی، در کنار عراق قرار گرفتند و رقابت‌های سنتی بین آنها شدت یافت. حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳ به عراق و برکناری صدام حسین و شکل‌گیری دولت نسبتاً شیعی، این کشور را به نقطه حساس سیاست خارجی ایران و عربستان تبدیل کرد و آغازی برای دور جدید رقابت‌های منطقه‌ای آنها شد.

عراق متمایل به عربستان، به منزله تنگ‌تر شدن حلقه انزوا بر ضد ایران و برعکس عراق متمایل به ایران؛ باعث برهم خوردن توازن قدرت به نفع ایران، توسعه ژئوپولیتیک شیعه و شروع گرایش‌های جدایی‌طلبانه از سوی شیعیان عربستان سعودی و همچنین دستیابی آسان ایران به سوریه و لبنان و افزایش نقش آفرینی ایران در فلسطین و کاهش نقش عربستان در روند صلح خاورمیانه خواهد بود.

سعودی‌ها در دهه‌های گذشته، بیشتر سعی کرده‌اند تا با توازن‌سازی بین ایران و عراق، نگرانی‌های امنیتی خود را کاهش دهند. دو سال پس از پیروزی انقلاب، کشورهای عرب حوزه خلیج فارس با تشکیل شورای همکاری خلیج فارس به‌طور عملی در جهت مقابله و رفع نگرانی از بابت حضور یک جمهوری اسلامی جدید در منطقه گام برداشتند. در دهه ۱۹۹۰ و بعد از اشغال کویت از سوی صدام، با وجود سیاست مهار دو گانه ایران و عراق از سوی آمریکا، سعودی‌ها سیاست تعامل و همکاری متعادل با ایران را تعقیب کردند که به نوعی در مقابل عراق تضعیف شده محسوب می‌شد. پس از جنگ، به‌ویژه پس از حمله عراق به کویت، روابط دو کشور وارد مرحله جدیدی از همکاری و اعتمادسازی شد اما هیچگاه بدگمانی عربستان نسبت به جمهوری اسلامی ایران برطرف نشد.

بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر به دلیل توسعه شکاف در روابط آمریکا و عربستان و پدیدار شدن فرصت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک در عراق، افغانستان و خلیج فارس برای آمریکا به عنوان جایگزین‌های مناسب در برابر عربستان، گرمی روابط ایران و عربستان از شتاب بیشتری برخوردار شد و الگوهای از روابط دوجانبه شکل گرفت و با تعدیل نگرش‌های ایدئولوژیک دو کشور نسبت به یکدیگر، کاهش رقابت و تقابل در حوزه‌های ژئوپلیتیکی مانند جنوب آسیا، همکاری درون منطقه‌ای بر رشد زمینه‌های شکل‌گیری مواضع مشترک اثر مثبت گذاشت. اما این مسئله نیز نتوانست بر علل و عوامل ریشه‌ای رقابت‌های این دو کشور فائق آید و روابط فی‌مابین را به یک بازی با حاصل جمع جبری مضاعف تبدیل کند.

پس از فروپاشی حزب بعث و به دنبال آن خیزش‌های اسلامی در خاورمیانه، فضای جدید برای ایران جهت اعمال نفوذ بر شیعیان منطقه به وجود آمده و محور مقاومت شیعی شکل گرفت. لذا عربستان با فضای تهدیدآمیز به وجود آمده در صدد راه‌حلی برای رفع این مشکل بود و به همین دلیل به سمت اتحاد و ائتلاف با آمریکا، رژیم صهیونیستی، شیوخ عرب منطقه و ترکیه و بهره‌برداری از سازمان‌ها و گروه‌های تروریستی و حمایت از آن در عراق و سوریه رفت تا بتواند در مقابل ایران در منطقه، توازن را حفظ کند.

تغییر رژیم و به قدرت رسیدن شیعیان و کردهای عراق و کاهش قدرت اعراب سنی، باعث شد تا نظام سیاسی جدیدی در عراق پدیدار شود که با توجه به سیاست خارجی متفاوت آن از رژیم سابق، معادلات استراتژیک و توازن قدرت در منطقه را وارد مرحله جدیدی کرده است. این نظام سیاسی، برخلاف رژیم بعث که گرایش و رویکردهای ضدایرانی داشت و عمدتاً به عنوان بازیگری موازنه‌بخش در برابر ایران محسوب می‌شد، در برگیرنده رهبران سیاسی‌ای است که به گسترش روابط سیاسی با جمهوری اسلامی ایران ملزم هستند. شرایط جدید، امیدها و بسترهایی را برای ایجاد روابط استراتژیک بین دو کشور ایجاد کرده است و این مسئله که به مفهوم تغییر در توازن استراتژیک سنتی است، باعث نگرانی رهبران سعودی شده است.

ضمن اینکه، اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی بین ایران و عراق سبب شد تا

سقوط صدام نه تنها تهدید عراق را از بین ببرد بلکه به افزایش نقش و موقعیت ایران در این کشور و منطقه خلیج فارس منجر شود (ساعی و علیخانی، ۱۳۹۲: ۱۱۸). عراق نوین از حالت متعادل کننده قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه خارج شده و در طرح و استراتژی‌های سیاسی - استراتژیک در کنار ایران قرار گرفته است. با خروج از تعریف سنتی توازن قوا، فرصت جدیدی برای ایران فراهم شده است تا به بازتعریف نقش منطقه‌ای خود به عنوان یک بازیگر و قدرت منطقه‌ای پردازد.

راهیابی گروه‌های شیعی به حوزه قدرت سیاسی عراق و قرار گرفتن آن در گروه کشورهای دوست و رهایی از تهدید تجاوز از جانب مرزهای غربی و راهیابی ایران به شامات از طریق خشکی، از لحاظ سیاسی، اقتصادی و استراتژیک امتیاز بزرگی برای ایران در عراق جدید خواهد بود. شکل‌گیری نظام سیاسی شیعی و همکار ایران در منطقه به جای یک رقیب و مخالف در عراق، منجر به تعادل در سیاست ایران با منطقه و جهان عرب شده و همچنین نقش آفرینی ایران در مسائل عراق نیز منجر به پی بردن به اهمیت و نقش ایران در منطقه در سیاست منطقه‌ای ایالات متحده آمریکا و دیگر قدرت‌های بزرگ شده است.

از جانب دیگر، تشکیل دومین دولت شیعی منطقه، موج نوین احیای آگاهی اسلامی و بازسازی هویت شیعیان و تأثیر آن بر فرایندهای سیاسی منطقه و مبدأ طرح مجدد هلال شیعه در خاورمیانه شد (جاودانی مقدم، ۱۳۹۱: ۳۹). این مسئله با توجه به اهمیت عراق از نظر تعداد شیعیان که ۶۰ درصد جمعیت ۳۰ میلیونی عراق و همچنین از نظر تأثیر فکری و ایدئولوژیک مهم‌ترین گروه شیعه در جهان عرب بر شیعیان منطقه از اهمیت خاصی برخوردار شده است. بنابراین تحولات سیاسی عراق سبب شده است تا شیعیان عراق به مرکز تأثیرگذار هویت و رفتار سیاسی سایر شیعیان عرب تبدیل شوند و شیعیان منطقه که همواره با دیده تردید نسبت به وفاداری آنان به دولت مرکزی نگریسته شده است و در وضعیت نابسامان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار دارند به دنبال تثبیت قدرت خود و بهبود اوضاع سیاسی و اقتصادی خود برآیند و زندگی سیاسی جدیدی را با بازتعریف جایگاه شیعیان به عنوان یک مذهب مؤثر در منطقه آغاز کنند. لذا با افزایش نگرانی از پررنگ شدن نقش عنصر شیعی در ساختار قدرت منطقه و تقویت جایگاه هژمونیک ایران

در جهان عرب، طرح هلال شیعی یا ژئوپلیتیک شیعه مجدداً مطرح شده است. از این رو نگرانی تز ژئوپلیتیک متحول شیعه در خاورمیانه در نشست ژنرال‌های آمریکایی در آوریل ۲۰۰۳ طرح شده و به دولت آمریکا توصیه شد که برای ایجاد امنیت در منطقه خاورمیانه، هلال دمکراسی در کشورهای شیعه‌نشین به وجود آید (Kessler and Priest, 2003: 8). این مسئله عربستان سعودی را که در استان‌های شرقی خود از اقلیتی شیعه برخوردار است، دچار نگرانی‌های امنیتی و سیاسی کرده است.

در سطح بین‌المللی نیز تقویت عنصر شیعه در عراق جدید و تأثیرات آن بر سیاست بین‌الملل عراق می‌تواند زمینه‌های فرصت‌سازی زیادی را در چارچوب تنظیم سیاست بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران و حل معضلات استراتژیک این کشور در منطقه و با قدرت‌های بزرگ جهانی همچون آمریکا فراهم سازد. بی‌تردید بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر بر اهمیت نقش ایران برای نظام بین‌الملل و قدرت‌های بزرگ در ایجاد ثبات و امنیت منطقه‌ای افزوده شده است. به طوری که اهمیت نقش ایران در عراق جدید بر یک منطق ساده استوار است: حفظ ثبات در عراق برای آمریکا دارای اهمیت حیاتی است؛ ایران دارای ابزارهای نفوذ قوی در جهت حفظ امنیت و ثبات است، بنابراین آمریکا برای حفظ امنیت در عراق به ایران نیاز دارد. این امر فرصت‌گران‌بهایی را در اختیار ایران قرار می‌دهد که با کسب امتیازات جدید زمینه‌های فرصت‌سازی در سیاست خارجی خود را افزایش دهد و به تعریف جدیدی از نقش خود در منطقه پردازد (برزگر، ۱۳۸۵: ۱۶۵). این فرصت مهیا شده برای ایران، برای عربستان سعودی در کاهش نقش و جایگاه آن کشور در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی آمریکا، تهدید محسوب می‌شود. عربستان سعودی بر این عقیده است که در آینده، ایران جایگزین عربستان در استراتژی‌های خاورمیانه‌ای آمریکا خواهد شد یا حداقل نقش آفرینی ایران در مسائل منطقه‌ای یعنی کاهش نقش آفرینی عربستان.

از فرصت‌های دیگری که با توسعه قدرت شیعیان در ساختار سیاسی عراق ایجاد شده است؛ وضعیت گروه‌های معارض ایرانی مستقر در داخل عراق از جمله؛ حزب دمکرات، کموله و به‌ویژه حضور سازمان مجاهدین خلق و همچنین گروه‌های سلفی و داعش در آن کشور است که ایران با ارتباط خود با دولت مرکزی عراق توانایی آن را به دست آورده

که در سرکوب و کنترل آنها دست بالایی داشته باشد. همین مسئله عربستان را به حمایت از گروهک منافقین و بازگرداندن آنها به صحنه مبارزه طلبی با ایران وادار کرده است.

با توجه به ارتباط زمینی عراق با منطقه شرق مدیترانه، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با اتصال مطمئن زمینی با سوریه، لبنان و سرزمین‌های اشغالی فلسطین و گروه‌های هوادار ایران در منطقه ارتباط داشته باشد. ضمن آنکه با توسعه شبکه‌های انتقال انرژی به غرب از طریق خاک عراق - سوریه، از تنگناهای تنگه هرمز نیز رهایی می‌یابد. نگرانی از این ارتباط قوی که در آینده می‌تواند در بهبود وضعیت اقتصادی، نظامی و استراتژیکی ایران و در نتیجه ارتقای جایگاه منطقه‌ای آن تأثیر مثبت داشته باشد، عربستان سعودی را وادار به تقابل جویی با ایران کرده است. در این راه، عربستان سعی بر تجزیه عراق و ایجاد اختلاف در روابط ایران با کشورهای عربی داشته است.

طبق تحلیل اندیشمندان غربی؛ تحت شرایط جدید منطقه‌ای و از طریق ایجاد یک هلال شیعی، ایران قادر به گسترش قدرت منطقه‌ای و به هم زدن توازن قوای سنتی خواهد بود. اگر این امر محقق شود ایران قادر به دیکته کردن شرایط و سیاست‌های خود به جامعه بین‌المللی و به خصوص به ایالات متحده در موضوعاتی حیاتی چون امنیت جهانی انرژی، قیمت نفت و حتی در خصوص سیاست مستحکم هسته‌ای خود خواهد بود (Nasr, 2006: 7). نقش و نفوذ ایدئولوژیکی رو به رشد ایران در منطقه، موقعیت نخبگان محافظه کار سنی را که به صورت سنتی در راستای سیاست‌های آمریکا در منطقه عمل کرده‌اند، تضعیف خواهد کرد. به‌ویژه با تحولات جدید خاورمیانه که با رشد عواطف ضد آمریکایی در بین توده‌های عرب جایگاه و مشروعیت این نخبگان به شدت زیر سؤال رفته است. چون آنها بودند که ابتدا با حضور آمریکا در منطقه موافقت کردند. این موضوع همچنین یک بهانه عمده برای گروه‌های تروریستی مانند القاعده بود که بر اساس آن دولت‌های عربستان سعودی و اردن را در سال‌های اخیر هدف حمله قرار دهند (Mearsheimer and Walt, 2006).

درخواست آمریکا از ایران به منظور مداخله در حل مناقشات منطقه‌ای به‌خصوص در عراق و افغانستان (روزنامه کیهان، ۱۳۸۷/۶/۲۴: ۱۰) و همچنین مجبور شدن آمریکا و غرب برای نشستن به پشت میز مذاکره و حل مسئله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و پایان دادن

تحلیل روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در عراق در قالب تئوری حرکت‌ها _____ ۲۹۳

به تحریم‌ها و مشارکت دادن ایران در حل بحران‌های منطقه‌ای از جمله بحران سوریه، مصداق بارز قدرت‌یابی ایران در منطقه است که با تحلیل اندیشمندان غرب در مورد ایران، تطابق واقعی دارد.

لذا این فرصت‌ها در جهت منافع ملی ایران و ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران مؤثر بوده که به تبع آن سایر بازیگران منطقه‌ای مثل عربستان را بر آن داشته تا رقابت و اقدامات مقابله‌جویانه‌ای را با ایران دنبال کند.

شناخت انگیزه‌ها و تاکتیک‌های عربستان سعودی برای موازنه‌سازی بر ضد ایران پس از شکل‌گیری عراق نوین و بررسی منافع و اهداف استراتژیک ایران در عراق، تحلیل روابط رقابت‌آمیز ایران و عربستان را در این کشور در قالب نظریه بازی‌ها امکان‌پذیر می‌کند.

۴. اهداف سیاست خارجی ایران در عراق جدید

بهره‌گیری از کدهای ژئوپولیتیکی عراق در راستای منافع ملی و تقویت محور مقاومت، حل مشکلات مرزی و ادعاهای الحاق‌گرایان عراق، افزایش عمق استراتژیک در منطقه خاورمیانه، تلاش در تقویت دولت ملی متمایل به خود در عراق با محوریت حاکمیت شیعه و تلاش برای یکپارچگی و تمامیت ارضی عراق، سعی در همگرایی میان مذاهب و جلوگیری از فروپاشی عراق، اطمینان خاطر از سد نفوذ قدرت‌های رقیب به‌خصوص عربستان، رژیم صهیونیستی و داعش، بهره‌برداری از محیط اقتصادی عراق و انتقال انرژی از خاک عراق به مدیترانه از جمله اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عراق است.

۴-۱. بهره‌گیری از کدهای ژئوپولیتیکی عراق در راستای منافع ملی و

تقویت محور مقاومت

عراق، یکی از مهم‌ترین همسایگان ایران است و بیشترین مرز مشترک را نیز با آن دارد (۱۵۸۶ کیلومتر). دو قوم مهم کرد و عرب هر دو کشور نیز، هم مرز هستند. محدودیت عراق در دسترسی به آب‌های آزاد، موضع فرودستی در مباحث هیدروپولیتیک، ماهیت تحمیلی مرزها در کشورهای خاورمیانه، بیشترین جمعیت شیعه، بحث الحاق‌گرایی و ... از

مسائلی هستند که بر سیاست خارجی دو کشور ایران و عراق سایه افکنده‌اند (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹). ایران با بهره‌گیری از کدهای ژئوپولیتیکای عراق یعنی؛ قومیت کرد، مذهب شیعه، محدودیت دسترسی به آب‌های آزاد و معضل فرودستی هیدروپولیتیکای (همان: ۳۵) می‌تواند از ژئوپولیتیک عراق بهره‌برداری کند و با برتری موقعیت و وزن ژئوپولیتیک خود، توانایی تغییر رفتار در عراق جدید را دارد و از این ابعاد در راستای تأمین امنیت مرزها و تقویت محور مقاومت در منطقه و توسعه ژئوپولیتیک شیعه و عمق استراتژیک خود بهره‌مند شود. ایران در تلاش است با کنترل این کدهای ژئوپولیتیک در عراق از دخالت‌های نیروهای فرامنطقه‌ای رقیب از جمله رژیم صهیونیستی و عربستان در منطقه کردنشین جلوگیری به عمل آورد.

۲-۴. حل مشکلات مرزی و ادعاهای الحاق‌گرایان عراق

سیاست خارجی عراق جدید همانند دوران پادشاهی و جمهوری تا حدود زیادی از منابع پایدار و ثابت داخلی و جغرافیایی متأثر است و ناسازگاری میان هویت و حاکمیت یا دولت و ملت، و دشواری‌های ژئوپولیتیک، اقتصاد وابسته به نفت و هویت و ارزش‌های مشترک عربی از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های اصلی آن هستند و به‌رغم تغییر ساختار حقوقی و سیاسی، این عناصر و ویژگی‌ها چندان تغییر نکرده و بعید است در آینده نزدیک دگرگون شوند (خسروی، ۱۳۸۹: ۵۹). حل و فصل اختلافات مرزی، کنترل ادعاهای الحاق‌گرایان عراق نسبت به خوزستان و متعهد بودن به معاهده ۱۹۷۵ الجزایر و همچنین حل مشکلات فرادستی ایران در مسئله رودخانه‌ها و نگرانی‌های عراق از بحران مسئله آب‌هایی که از ایران وارد عراق می‌شود (نامی و محمدپور، ۱۳۸۷: ۳) از جمله مسائلی هستند که ایران به شیوه مسالمت‌آمیز با یک دولت همسو و همکار در عراق، می‌تواند بهتر در مورد آنها به نتیجه مطلوب برسد.

۳-۴. افزایش عمق استراتژیک در منطقه خاورمیانه

جمهوری اسلامی ایران تنها کشور شیعی در خاورمیانه است و در قبال حضور بیگانگان و

تقویت محور مقاومت، متحد استراتژیک ندارد. یکی از اهداف سیاست خارجی ایران؛ تبدیل عراق به یک همکار و متحد استراتژیک شیعی در منطقه است تا از این راه، حلقه اتصال با سوریه و محور مقاومت محکم‌تر شود و عمق استراتژیک ایران در شرق مدیترانه تثبیت شود. مبارزه با داعش و جلوگیری از تسلط آن بر این مسیر مصداق این گفتار است. همچنانکه می‌توان جنگ داعش در عراق و تسلط بر مسیر مذکور را با حمایت و پشتیبانی عربستان، در راستای جلوگیری از تسلط و نفوذ ایران در این منطقه تفسیر کرد.

۴-۴. تلاش در تقویت دولت ملی و جلوگیری از فروپاشی عراق

در عراق جریانات سیاسی متعددی وجود دارند: ۱. بعثی‌ها، ۲. جریان سلفی، ۳. جریان شیعیان سکولار، ۴. جریان شیعیان اصولگرای مخالف ایران؛ مانند جمال و کیل، حسین صدر، سید محمد بحر العلوم، شیخ محمد باقر ناصری و ...، ۵. جریان شیعیان اصولگرای مستقل مانند آیت‌الله سیستانی، حسین شهرستانی و ...، ۶. جریان شیعیان اصولگرای همگرا با ایران؛ مانند مجلس اعلا، سازمان بدر، الدعوة الاسلامیه و ...

ایران تلاش دارد همگرایی لازم را در میان مذاهب مختلف عراق ایجاد کند. در همین راستا از ائتلاف شیعه و کرد متمایل به خود حمایت می‌کند و در خصوص اهل سنت، تلاش دارد تا آنها برای رسیدن به اهداف سیاسی، منافع و حقوقشان به تهران متوسل شده و خواسته‌های خود را از اینجا مطالبه و دریافت کنند (جلالی، ۱۳۹۳). تا به این شکل حاکمیت ملی متمایل به ایران در عراق تقویت شود. این موضوع باعث می‌شود که کشورهای همسایه مثل عربستان و کشورهای خارج از منطقه که قصد بازیگری و نقش‌آفرینی منفی در عراق را دارند، عرصه کمتری برای بازیگری مخرب پیدا کنند.

۴-۵. کنترل نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

فعالیت حزب کارگران کردستان، ایجاد دولت فدرال و گسترش نفوذ رژیم صهیونیستی در این منطقه، فعالیت وهابیت و داعش و باقی‌ماندگان حزب بعث با حمایت عربستان سعودی و حضور طولانی‌مدت آمریکا در عراق از جمله نگرانی‌های ایران است. با توجه به

دیدگاه‌ها و اشتراکات ذهنی رژیم صهیونیستی و کردها، در تشکیل کشوری برای خود، جمهوری اسلامی ایران با نگرانی به نفوذ و حضور نیروهای منطقه‌ای، افزایش نفوذ رژیم صهیونیستی در شمال عراق و تأثیر آن بر تنوع قومی در این کشور، می‌نگرد. همچنین با توجه به ارتباط قوی اهل سنت با عربستان و ریشه‌دار بودن قدرت سنی‌ها در ساختار سیاسی عراق، ایران نگران از بازگشت آنها به ساختار قدرت و توسعه نفوذ و هایت است. ضمن اینکه منافع استراتژیک ایران در عراق محدود به مرزهای جغرافیایی این کشور نیست بلکه شامل کل منطقه می‌شود، همچنانکه از خاک عراق قصد عبور و اتصال به محور مقاومت و سوریه را دارد. به همین علت به حضور عربستان، آمریکا و رژیم صهیونیستی و داعش در عراق به عنوان عامل بازدارنده و مانع این منافع می‌نگرد.

۴-۶. توسعه روابط اقتصادی و بهره‌برداری اقتصادی و استراتژیک از عراق

حجم مبادلات تجاری بین دو طرف در سال ۲۰۱۳، ۱۲ میلیارد دلار در سال بوده که ۵۰ درصد از این میزان تولیدات غیرنفتی است. همچنین ایران ۱۰ درصد از نیاز عراق به برق را تأمین می‌کند. عراق مقصد اصلی زائران ایرانی است که تعدادشان به ۴۰ هزار نفر می‌رسد (الصمادی، ۱۳۹۳). اقداماتی نیز برای توسعه بیشتر روابط اقتصادی و فرهنگی بین دو کشور در مناطق مرزی صورت گرفته است (سایت ستاد توسعه اقتصادی ایران و عراق، ۱۳۹۴). تأمین گاز، برق و مصالح ساختمانی اقلیم کردستان عراق و همچنین کاهش تعرفه و مالیات و گمرکات در مبادلات تجاری دو کشور از نمونه بارز بهینه بودن روابط اقتصادی دو کشور خبر می‌دهد (همان). ایران هدف توسعه این فرصت‌ها را در منطقه غرب آسیا نیز دارد تا از تنگناهای تنگه هرمز نیز رهایی یابد. در همین راستا ایران در پی انتقال انرژی از خاک عراق به مدیترانه می‌باشد.

۵. اهداف سیاست خارجی عربستان در عراق

سعودی از زمان سقوط صدام حسین، نگرانی‌هایی را در این کشور تجربه کرده است. پیدایش دولت مستقل و دمکراتیک شیعی در همسایگی عربستان، از دو جهت مایه دلهره و

تشویش خاطر دولت مردان سعودی شده است: ۱. دولت عراق تنها دولت عرب خلیج فارس است که در فرایند انتخاباتی سکان‌دار امور شده و این به معنای بیدار باشی برای اعراب منطقه است. ۲. حضور شیعیان در رأس هرم سیاسی عراق و نفوذ روزافزون جمهوری اسلامی ایران در این کشور به منزله برقراری ترتیبات سیاسی و امنیتی جدیدی در محیط عربی - اسلامی منطقه است که موقعیت سعودی را در مرز هشدار قرار داده است (خضری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۵). لذا به قدرت رسیدن شیعیان در عراق از نظر امنیت ملی و داخلی و تحلیل قدرت منطقه عربستان و افزایش قدرت رقیب سنتی آن مورد توجه آل سعود می‌باشد. بر این اساس این اهداف و استراتژی‌ها را می‌توان در دستگاه سیاست خارجی عربستان در منطقه خاورمیانه استخراج کرد.

۱-۵. ثبات و حفظ امنیت در داخل عربستان

سعودی بیشترین مرز خاکی را با عراق دارد و این مرز به دلیل شرایط خاص جغرافیایی منطقه ناامن، مبهم و غیرقابل دفاع بوده و همواره منشأ نگرانی‌های امنیتی برای رژیم سعودی بوده است. بزرگ‌ترین ترس سعودی این است که سرازیر شدن تروریست‌ها، به ایجاد بی‌نظمی و بی‌ثباتی در این منطقه بینجامد و این بی‌ثباتی به داخل عربستان کشیده شود (احمدی، ۱۳۸۵: ۲۰). ضمن اینکه عربستان از نفوذ اندیشه‌های انقلابی و حق‌خواهی شیعه نیز نگران تأثیر گذاری شیعیان عراق بر شیعیان منطقه الشریقه است.

ریاض علاوه بر دخالت و کارشکنی در عراق پس از سقوط صدام، میلیاردها دلار برای ساخت دیوار امنیتی حائل در مرز با عراق هزینه کرده است تا مانع سرایت خشونت موجود در عراق به این کشور شود (کرمی، ۱۳۹۰). علاوه بر این، عربستان با حمایت سنی‌های افراطی خارج از کشور و جلوگیری از فعالیت آنها در داخل عربستان می‌تواند از شر افراط‌گرایی و مشکل امنیتی آن برای خاندان آل سعود نجات یابد؛ حمایت تسلیحاتی ریاض از بن‌لادن در زمان رهبری جهادگران در افغانستان و مدارا کردن با مبارزان چچن، بوسنی و سوریه از آن جمله است. حمایت عربستان از داعش نیز در این راستا قابل تحلیل می‌باشد. به این شکل عربستان می‌تواند با تقویت گروه‌های تروریستی به هدف دیگر خود یعنی تضعیف دولت

شیعی در عراق و دولت علوی دمشق که هر دو متمایل به ایران هستند نیز دست یابد. ضمن اینکه، افزایش قدرت سیاسی شیعیان عراق، در روحیه حق‌خواهی و مبارزه‌طلبی شیعیان مناطق شرقی عربستان بر ضد سلطه سعودی تأثیرگذار بوده است. شیعیان این منطقه تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، تجربیات تلخی برای سعودی به‌جا گذاشته‌اند و آثار تأثیرپذیری آنها از تحولات خاورمیانه نیز در جریان‌ات بعد از انقلاب بحرین در سال ۲۰۱۲ مصداق دارد که با سرکوب شدید آل سعود مواجه شده است.

۲-۵. کنترل سیاست‌های تولید نفت

ریاض به شکل سنتی، همواره تلاش کرده تا با استفاده از قدرت تولیدی خود، بازار نفت را در راستای تعدیل قیمت‌ها نگاه دارد؛ حال آنکه از دیدگاه بغداد این کار به نفع اقتصاد در حال بازسازی این کشور نبوده زیرا به منابع عظیمی از پول نیاز دارد و به توسعه این کشور آسیب می‌رساند (احمدی، ۱۳۸۵: ۲۰). اگر عراق به ثبات و آرامش دست یابد و حکومت مقتداری در این کشور برپا گردد، به احتمال زیاد اختلافات بین دو کشور در عرصه سیاست‌گذاری نفت، بار دیگر خود را نشان خواهند داد. چرا که عراق باز هم برای بازسازی و پرداخت بدهی‌های خود، خواهان بالا نگاهداشتن قیمت نفت و نیز تخصیص در سهمیه تولیدی بیشتری از سوی اوپک خواهد شد. به همین جهت عربستان سیاست‌های تجزیه‌طلبانه و تضعیف‌کننده عراق را دنبال می‌کند تا ضمن سد نفوذ ایران در این کشور به سیاست‌های نفتی خود نیز جامه عمل بپوشاند.

۳-۵. جلوگیری از قدرت‌یابی و نقش‌آفرینی عراق در منطقه

نقش عربستان در سیاست خارجی آمریکا برای کنترل ایران، همچنین نفوذ سعودی‌ها بر جناح اکثریت در لبنان و حمایت مؤثر سیاسی و امنیتی از سنی‌های عراق، در کنار نقش و تأثیر در تلاش‌های صلح اعراب و رژیم صهیونیستی، حاکی از تلاش عمیق سعودی‌ها در سال‌های اخیر برای تحکیم موقعیت رهبری خود در جهان عرب است. بنابراین در سطح منطقه‌ای هدف اصلی این کشور تداوم نقش برتر یا هژمونی این کشور در شبه جزیره عربی و متعاقب

آن در خاورمیانه اسلامی است و هر تحولی که این هژمونی را به چالش بکشد، تهدیدی برای امنیت و منافع ملی عربستان خواهد بود (کرمی، ۱۳۹۰). عربستان نگران است که با افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی، اقتصاد عراق قوی شود و به تبع آن نقش و نفوذ آن در اوپک و منطقه افزایش پیدا کند. از این رو مایل به ادامه حضور آمریکا با هدف کنترل بغداد است.

۴-۵. کنترل قدرت‌های رقیب

این برداشت بسیاری از تحلیلگران غربی و منطقه‌ای است که ایران از یک سو با سازماندهی عناصر شیعه در کشورهای همجوار، اعمار وابسته به خود را تأسیس و از سوی دیگر مناطق جغرافیایی اسلام را محاصره کرده است. فعالیت ایران در لبنان، سوریه، یمن و ... در این راستا تفسیر شده است. طبق این گفته‌ها؛ ایران غیر از خود صاحب دو یا دو نیم حکومت دیگر است که عبارتند از عراق، سوریه و لبنان. همچنین در حال اضافه کردن حکومت دیگر (یمن) به این فهرست است. ضمن اینکه برای بحرین نیز فعالیت‌های سیستماتیک دارد (سایت کیهان، ۱۳۹۳). عربستان این روند را برخلاف منافع خود می‌داند و در پی کنترل و به چالش کشیدن ایران در عراق می‌باشد تا حرکات استراتژیک ایران را در منطقه مانع شود و محدود کند. ضمن اینکه عربستان از گروه‌های تروریستی داعش و جبهه النصره در عراق و سوریه بهره‌مند شده و آنها را مورد حمایت قرار داده است تا دولت‌های متحد استراتژیک ایران را در آنها تحت فشار قرار داده و تضعیف کند.

۵-۵. تلاش برای کنترل قدرت شیعیان در قدرت سیاسی عراق

در زمان صدام حسین، مذهب یکی از عوامل نزدیکی بغداد و ریاض بود و تسلط یک حکومت سنی بر عراق، برای عربستان به اندازه عربی بودن این حکومت اهمیت داشت و بر این اساس، مقامات سعودی، دغدغه‌ای از جانب مذهب در عراق در زمان صدام نداشتند. با سقوط صدام، این وضعیت به یکباره تغییر کرد و شیعیان، در تمام صحنه‌های سیاسی و اجتماعی عراق حضور یافتند و الگویی را به دیگر شیعیان عرب در خلیج فارس ارائه دادند که می‌تواند به بیداری و تکاپوی سیاسی آنان بینجامد. این امر به معنای تغییر سلطه اهل

سنت بر کشورهای حوزه خلیج فارس تعبیر شده و به بسیج کلیه شیعیان منطقه برای بهره‌گیری از این فرصت و کسب قدرت سیاسی و اجتماعی منجر می‌شود؛ تحولی که عربستان نیز از آن در امان نخواهد بود. بر همین اساس عربستان یکی از اهداف اصلی خود را کنترل تشیع در عراق و به تبع آن در تمام منطقه تعیین کرده است.

۶. تقابل جویی عربستان در قبال جمهوری اسلامی ایران در عراق

تحولات صورت گرفته در عراق جدید از جمله؛ قدرت‌یابی شیعه و خروج آمریکا از عراق، موجبات توسعه نفوذ استراتژیک و افزایش قدرت ایران در منطقه شده است. این مسئله برای عربستان که به‌عنوان همکار هژمون در خاورمیانه است و با کمک آمریکا می‌توانست از قدرت‌یابی ایران در منطقه جلوگیری کند، نگران‌کننده است به گونه‌ای که سعودی خود را بازنده این بازی و محاصره شده توسط نیروهای مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌کند. لذا در برابر اقدامات ایران یا فرصت‌هایی که موجبات تقویت موقعیت ایران را در منطقه ایجاد کرده‌اند؛ حرکاتی را به منظور جلوگیری از این وضعیت تدارک دیده است.

۶-۱. تقویت محور سنی - عربی

تلاش عربستان به حل اختلاف بین گروه‌های مختلف و اتحاد سنی‌های عراق در راستای اجرای طرح تجزیه این کشور با برگزاری کنفرانس‌هایی با مشارکت بعضی از کشورهای غربی خوشنام در عراق مانند فرانسه (خبر مورخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۴ به نقل از irinn.ir)، کمک گرفتن از ایدئولوژی وهابیت بر ضد شیعیان عراق، تلاش عربستان برای بازگشایی سفارت در عراق (سایت تابناک، ۱۳۹۳) را می‌توان در راستای تقویت هویت سنی و سد نفوذ ایران در عراق قلمداد کرد.

همچنین سعودی از طریق همکاری نزدیک با علمای وهابی، استراتژی مهار مذهب تشیع را دنبال می‌کند تا با ایجاد شبکه‌ای از حوزه‌های علمیه، مساجد، مؤسسات آموزشی، مبلغان، فعالان سیاسی، نویسندگان، خبرنگاران و دانشکده‌های اسلامی که بر هویت سنی تأکید و تبلیغ می‌کردند، این هویت را در راستای عقاید وهابیت و ستیزه‌جویی علیه اهل

تحلیل روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در عراق در قالب تئوری حرکت‌ها _____ ۳۰۱

تشیع در سراسر خاورمیانه بزرگ گسترش دهند و مذهب تشیع را از تسنن باز بشناسانند و مانع از تأثیر ایدئولوژیک ایران در منطقه شوند (حاجی یوسفی و سلطانی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۲۳۹).

۲-۶. دامن زدن به شیعه - ایران هراسی

سعودی‌ها، جمهوری اسلامی ایران را متهم به شیعه‌گرایی می‌نمایند. آنها با برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی، فعالیت‌های مجمع اهل‌البیت، جامعه المصطفی، بورسیه کردن دانشجویان مسلمان، گسترش شبکه‌های تلویزیونی به زبان‌های خارجی، انتشار کتب دینی مذهبی در کشورهای سنی‌نشین، تلاش دارند؛ اقدامات ایران در مراسم حج و ارتباط ایران با دولت‌ها و ملت‌های اسلامی را در راستای شیعه‌گرایی تلقی کنند. از این رو مقامات ریاض می‌کوشند؛ ایران را به‌عنوان تهدید اصلی کشورهای اسلامی جایگزین رژیم صهیونیستی کنند. تاکنون سعودی همواره سعی داشته همکاری و نقش خود را در پروژه ایران‌هراسی و تضعیف ایران با غربی‌ها مخفی کند؛ اما در این مقطع موضع‌گیری آشکار و سنسجیده مقامات ارشد سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل به افشای این اقدامات منجر شده است (seratnews.ir). در همین راستا، عربستان به اخلال در روابط ایران با کشورهای عربی و جنبش‌های رهایی‌بخش مانند حماس، اقدام کرده است. نمونه بارز این اختلاف‌افکنی در مورد تفاوت دیدگاه حماس با حزب الله لبنان و ایران در مورد دولت قانونی سوریه بارز و آشکار است.

۳-۶. ائتلاف با رژیم صهیونیستی و دشمنان ایران

در سال‌های اخیر عربستان در توسعه روابط سیاسی و امنیتی خود با رژیم صهیونیستی نشان داد حاضر است در کنار آن به ایران حمله نظامی کند و علاوه بر این نشانه‌هایی از همکاری و حمایت دوجانبه رژیم صهیونیستی و عربستان در حمایت از گروه‌های تروریستی مورد بهره‌برداری هر دو طرف وجود دارد. از جمله همکاری‌های طرفین می‌توان به قرار دادن مناطق اشغالی از جانب رژیم صهیونیستی در اختیار عربستان به مدت یک سال و نیم؛ برای رسانیدن سلاح به دست جریان‌های تروریستی در منطقه جولان اشاره کرد (دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲). «شبکه دوم تلویزیون رژیم صهیونیستی نتایج یک

نظرسنجی را از افکار عمومی سعودی‌ها منتشر کرده است که طبق آن، ۵۳ درصد سعودی‌ها، جمهوری اسلامی ایران را دشمن می‌دانند و تنها ۱۸ درصد آنها معتقدند رژیم صهیونیستی، دشمن سعودی‌هاست (پایگاه تحلیلی خبری انتخاب، ۱۳۹۴). لذا به هر شکلی، عربستان تلاش دارد ائتلافی از غرب و رژیم صهیونیستی و رژیم‌های عربی محافظه‌کار در قبال ایران تشکیل دهد و به توسعه نفوذ ایران در منطقه پایان دهد. از تلاش‌های اخیر سعودی برقراری روابط حسنه و حمایت مالی عربستان از سازمان اشرف (منافقین) است.

۴-۶. تقویت توان نظامی

مقام‌های سعودی نگران هستند که بهبود وضعیت اقتصادی ایران از یک سو و بهبود روابط تهران - واشینگتن موجب تهدید منافع عربستان سعودی شود. ضمن اینکه عربستان با عدم ثبات در مرزهای شمالی و سقوط دولت مورد حمایت ریاض در صنعا و قدرت گرفتن شیعیان حوثی در یمن رو به روست (ندیمی، ۱۳۹۴). ریاض برای حفظ نفوذ خود در منطقه و جهان نیازمند کاهش و محدود کردن نفوذ ایران به ویژه در عراق و سوریه از طریق توسعه و برابری نیروهای نظامی متعارف خود با جمهوری اسلامی است. البته عربستان به هسته‌ای شدن نیز فکر می‌کند (سایت فردا نیوز، ۱۳۹۴). عربستان سعودی در راستای تقویت و تقابل با جمهوری اسلامی ایران، دو برنامه جدی را در حوزه نظامی مورد توجه قرار داده است: ۱. تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای، ۲. توسعه برنامه موشکی (سایت الف، ۱۳۹۳).

۵-۶. همسویی با ترکیه

تا قبل از سقوط صدام حسین، عراق و عربستان روابط حسنه‌ای با ترکیه نداشته‌اند، اما قدرت گرفتن شیعیان و ایران در منطقه به نفع آنها نبود. خیزش جهان عرب، بهره‌گیری از قدرت نظامی ترکیه در جهت تأمین امنیت اعراب حوزه خلیج فارس، اشتراک نظر آنها در بحران سوریه و یمن و سد نفوذ ایران در خاورمیانه، اهمیت روابط اقتصادی طرفین و هم‌پیمانی با آمریکا در منطقه، از عواملی‌اند که در نزدیکی روابط استراتژیک عربستان و ترکیه در خاورمیانه مؤثر بوده و اتحاد و ائتلاف آنها را علیه جمهوری اسلامی ایران ترتیب می‌دهد.

تحلیل روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در عراق در قالب تئوری حرکت‌ها _____ ۳۰۳

هرچند استراتژیست‌های سعودی با دید تردید آمیز نسبت به نیت ترکیه نگاه می‌کنند، ولی مهار ایران به‌عنوان مهم‌ترین چالش‌گر نظام امنیتی کشورهای حاشیه خلیج فارس، اولویت اصلی ریاض و دیگر متحدانش در منطقه خواهد بود (کرمی، ۱۳۹۲).

به نظر می‌رسد ترکیه و عربستان، سوریه را مرکز ثقل توازن قوا در منطقه پس از سرنگونی صدام و وقوع بهار عربی می‌دانند و بر همین اساس سوریه را دروازه‌ای برای ورود به عراق می‌بینند و از این‌رو دولت بغداد را بیش از پیش در تنگنا قرار داده‌اند. پذیرفتن طارق الهاشمی نخست‌وزیر سنی عراق به پناهندگی سیاسی ترکیه و ارتباط نزدیک ترکیه با اقلیم سنی کردستان نیز می‌توانست بر ارتباط استراتژیک عربستان و ترکیه کمک کند.

۶-۶. استفاده از داعش

بسیاری از تحلیلگران غربی، داعش را ابزار و مورد حمایت عربستان می‌دانند و حمله داعش به عراق را جنگ عربستان علیه ایران تحلیل کرده‌اند (سایت اشرف، ۱۳۹۳). با پیروزی مالکی در انتخابات سال ۲۰۱۴، حمایت اهل سنت عراق از داعش افزایش یافت. همچنین دول عربی منطقه با حمایت مالی و لجستیکی از داعش می‌کوشند؛ دوباره حکومتی سنی در عراق بر سرکار بیاورند. تا به این وسیله با شکست اولین دولت شیعی عربی، شیعیان آرام و قدرت ایران کاهش یابد (سالدورگر، ۱۳۹۳). عربستان به‌عنوان سردمدار تلاش‌ها برای بی‌ثبات کردن اوضاع عراق و نابودی حکومت شیعه این کشور است.

عربستان بنا به دلایلی از کارت داعش در حوزه عراق استفاده می‌کند؛ نخست اینکه داعش به دولتی حمله‌ور شده که در نتیجه انتخابات سال ۲۰۱۰، برخلاف میل عربستان منجر به بهبودی اوضاع سیاسی شیعه و به تبع آن موقعیت ایران شده است. دوم اینکه عربستان با اقدامات داعش، خطوط ارتباطی ایران با ساحل شرقی دریای مدیترانه را دچار مشکل کرده است؛ این پل ارتباطی از راه عراق و به‌ویژه مناطقی در غرب عراق - که به اشغال داعش درآمده - ایران را به سوریه و لبنان وصل می‌کند. عربستان پس از ناکامی در از بین بردن حکومت سوریه، تلاش کرده است که ارتباط ایران و سوریه را قطع کند تا آسیبی جدی به اتحاد دو طرف بزند. هدف دیگر عربستان از حمایت داعش در عراق این

بود تا توجه‌شان را از حکومت عربستان به سمت هدفی فوری‌تر یعنی عراق منحرف و همچنین؛ «دولت نامطلوب شیعی» را تضعیف کند. علاوه بر این می‌تواند ادامه حضور آمریکا را تداوم بخشد (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۹). با این اقدام به اهداف دیگر از جمله؛ درگیر کردن ایران در مسائل امنیتی غرب، تضعیف زمینه‌های حضور ایران در عراق با تضعیف نیروهای طرفدار آن و حضور بیشتر آمریکا در عراق و به تبع آن در منطقه و تداوم بیشتر همکاری عربستان و آمریکا نیز دست خواهد یافت.

۶-۷. تلاش برای نزدیکی با اخوان المسلمین

گزارش‌هایی مبنی بر گسترش فعالیت‌های دیپلماتیک عربستان در خاورمیانه و به خصوص عراق، در راستای این منظور مشاهده می‌شود.

روزنامه لبنانی الاخبار ضمن بررسی روندهای جدید سیاست خارجی عربستان، به تلاش‌های دیپلماتیک ریاض که از تغییر جهت‌گیری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای این کشور تحت نظر پادشاه جدید اشاره کرده و به سیاست عربستان بر مبنای شکل دادن به یک اتحاد منطقه‌ای علیه ایران و بهبود روابط با ترکیه، قطر و اخوان المسلمین و ... اشاره می‌کند (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۳). در این مورد، «کاترپانچ» می‌نویسد: «سعودی‌ها خواهان پایان دادن رابطه جمهوری اسلامی ایران با کشورها و گروه‌های سنی جهان اسلام هستند. هر چند خصومت اخوان المسلمین با ریاض نیز به‌طور نسبی شدید می‌باشد» (باشگاه پژوهشگران جوان، ۱۳۹۳). اما ارتباطات بین حماس و عربستان و اشتراک نظر آنها در مورد بشاراسد نشانه‌هایی از موفقیت سعودی‌ها در برقراری روابط حسنه با اخوان المسلمین است.

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نبود یک سیستم امنیت دستجمعی در خاورمیانه باعث شده است سیستم سنتی موازنه قوا برای تأمین امنیت این منطقه مدنظر بازیگران مطرح آن قرار بگیرد. لذا همه دولت‌ها به دنبال افزایش قدرت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود به گونه‌ای هستند تا با برتری‌یابی بر رقیب از لحاظ مادی و معنوی، ضمن تأمین امنیت خود نقش برتر در مسائل منطقه‌ای ایفا

تحلیل روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در عراق در قالب تئوری حرکت‌ها _____ ۳۰۵

کنند و به پرستیژ قدرت پردازند. جمهوری اسلامی ایران و عربستان به‌عنوان دو کشور مطرح خاورمیانه به‌خصوص بعد از انقلاب اسلامی و همچنین سقوط صدام و بیداری اسلامی، در تلاش بوده‌اند تا به نقش آفرینی بیشتر در خاورمیانه پردازند و از این طریق با کسب موقعیت‌های ایدئولوژیک و استراتژیک برتر خاورمیانه امنیت و جایگاه آینده خود را تضمین کنند. با این اقدامات این دو کشور وارد بازی تقابلی شده که اولین حوزه اجرایی آن عراق است. ضمن اینکه رقابت‌های آن دو در مناطق اشغالی فلسطین همچنان پابرجاست. رقابت آنها به کشورهای سوریه، یمن و بحرین نیز کشانده شده است. بنا به مبانی، منافع و دیدگاه‌های متعارض و متفاوت در ایدئولوژی و نگاه استراتژیک و بلندپروازی این دو کشور، نوع بازی حاکم بر روابط آنها در خاورمیانه در اکثر موارد قالب تئوری حرکت - حرکت و قاعده حاصل جمع جبری صفر قابل تحلیل و تبیین است.

با تغییر رژیم در عراق اکثریت شیعه زمام امور را به دست گرفت و با ارتباطات خود با ایران به بهبود موقعیت ایران در خاورمیانه منجر شد. عراق متمایل به عربستان و اعراب منطقه، به‌منزله تنگ‌تر بودن حلقه انزوا علیه ایران بود اما عراق متمایل به ایران به منظور اتحاد ژئوپولیتیک شیعه، به معنی برهم خوردن توازن قدرت در منطقه و خط گرایشات جدایی طلبانه از سوی شیعیان عربستان سعودی است.

علاوه بر این عربستان یکی از کشورهای عرب سنی را در جبهه عرب - سنی و همچنین یکی از دشمنان شیعه و جمهوری اسلامی ایران را در منطقه از دست داد. در عوض یک دشمن دیرینه ایران، از میدان بیرون رفت و آزادی عمل آن را در جبهه غرب و جنوب غرب به دنبال داشت. ایجاد دولتی دمکراتیک در عراق، در بلندمدت می‌تواند ثبات ساختار سیاسی و مشروعیت حکومت سعودی را تحت تأثیر قرار دهد. روند تحولات عراق و قدرت‌یابی شیعیان در این کشور، براساس قواعد دمکراتیک، از منظر وجود اقلیت شیعی در عربستان و تأثیرپذیری آنها از شیعیان عراق نیز قابل توجه است و این مسئله از نظر افزایش تقاضاهای جامعه شیعی عربستان و پیامد آن برای تعاملات شیعی - سنی برای مقامات سعودی اهمیت دارد. این مسائل همراه با سقوط طالبان، تغییر حاکمان سنی در منطقه و خروج نیروهای آمریکایی از عراق در راستای افزایش نفوذ ایران در این کشور، امتیازهای

دیگری است که به ایران تعلق گرفته و عربستان از آن محروم مانده است. شکست داعش در عراق و نقش مؤثر ایران در مبارزه با این گروه تروریستی و همچنین حل و فصل مسئله فراندنم کردستان عراق و جلوگیری از تجزیه عراق نیز از موفقیت‌های بزرگ ایران در عراق به حساب می‌آید. لذا طبق نظریه بازی‌ها در ماتریس بازی‌ها ایران چند امتیاز به دست آورده و عربستان همان امتیازها را از دست داده است.

لذا این موفقیت‌ها برای ایران، استراتژی‌هایی را از جانب رقیب سنتی آن، ایجاب می‌کند که در قالب تئوری حرکت - حرکت می‌گنجد. ریاض برای تقابل با تهران و جبران شکست در بازی عراق، به اقداماتی چون تقویت هویت سنی به‌عنوان واکنشی در برابر احیای هویت شیعی، کمک به جنگ‌های فرقه‌ای در عراق، دامن زدن به ناامنی‌ها، تحریک سلفی‌گری، کمک به داعش، شیعه - ایران‌هراسی، اتحادهای منطقه‌ای با کشورهای رژی‌م صهیونیستی، ترکیه و اتحادهای فرمانطقه‌ای با ایالات متحده، تقویت بنیان دفاعی و خرید تسلیحات، دخالت در بحران سوریه و فشار بر متحدان استراتژیک ایران در منطقه غرب آسیا، همچنین با دخالت نظامی در بحرین و یمن و ورود به جنگ سرد نفتی و تلاش‌های دیپلماسی ضدایرانی در منطقه سعی کرده از طریق به چالش کشیدن ایران در منطقه خاورمیانه، بازی باخته در عراق را جبران کند.

هرچند عربستان و ایران با احساس تهدیدات امنیتی مشترک از جانب داعش می‌توانستند همکاری‌های امنیتی داشته باشند، اما از آنجا که بنیان سیاست خارجی این دو کشور متفاوت و متعارض است عربستان به حمایت از داعش و جمهوری اسلامی ایران به سرکوب داعش اقدام می‌کند و به این‌گونه تهدید مشترک نیز نتوانسته عربستان را با سیاست‌های منطقه ایران نزدیک کند. سعودی‌ها در تلاش‌اند که داعش را به سمت ایران هدایت کرده و از این طریق برای رقیب دیرینه خود چالش‌های امنیتی ایجاد کنند تا قافیه باخته در عراق، سوریه و یمن را جبران کنند و ایران نیز در تلاش است که در جریان سرکوب داعش به تقویت دولت‌های متحد خود در منطقه اقدام نماید. بر این اساس عربستان یک بازیگر کمینه‌گر و ایران بازیگری بیشینه‌گر در حوزه عراق می‌باشد.

منابع و مآخذ

۱. احمدی، بهزاد (۱۳۸۵). «عراق و عربستان؛ اهداف آمریکا و روابط آتی دو کشور»، نگاه حوزه، ش ۱۹۵.
۲. باشگاه پژوهشگران جوان (۱۳۹۳/۱۲/۵). «تحرکات مشکوک عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران»، قابل دسترسی در <http://www.yjc.ir/fa/news/5140977> تاریخ دسترسی ۱۳۹۴/۸/۴.
۳. برزگر، کیهان (۱۳۸۵). «تضاد نقش‌ها: بررسی ریشه منازعه جمهوری اسلامی ایران و آمریکا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر»، راهبرد، ش ۳۹.
۴. پایگاه اطلاع رسانی شبکه خبر (۱۳۹۳/۴/۱۱). «پشت پرده حرکت مرموز عربستان درباره عراق»، قابل دریافت در <http://www.irinn.ir/news/59199>.
۵. پایگاه تحلیلی خبری انتخاب (۱۳۹۴/۴/۱۶). «مردم عربستان از جمهوری اسلامی ایران بیش از داعش و اسرائیل می‌ترسند! / منافع مشترک اسرائیل - عربستان!»، قابل دریافت در <http://www.entekhab.ir/fa/news/208426> تاریخ دستیابی ۱۳۹۴/۸/۱۸.
۶. پر حلم، امیررضا و زهرا کاظمی (۱۳۸۲). *آخرین بازی صدام*، تهران، دریاچه.
۷. جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۹۱). «ژئوپولیتیک نوین شیعه در خاورمیانه و سیاست خارجی»، فصلنامه ژئوپولیتیک، سال هشتم، ش ۲.
۸. جلالی، مجید (۱۳۹۳/۱۰/۱۳). «سیاست خارجی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۱۴/عراق»، در <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13931008000717> تاریخ دسترسی؛ ۱۳۹۴/۸/۵.
۹. حاجی یوسفی، امیرمحمد و احمد سلطانی نژاد (۱۳۸۶). *سامان سیاسی در عراق جدید*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
۱۰. حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۵). *روش‌شناسی علوم سیاسی*، قم، نشر دانشگاه مفید.
۱۱. خسروی، غلامرضا (۱۳۸۹). «مؤلفه‌های داخلی پایدار و موثر بر سیاست خارجی عراق جدید»، *مطالعات راهبردی*، سال سیزدهم، ش ۱.
۱۲. خضری، احسان و همکاران (۱۳۹۴). «ریشه‌یابی منازعات جمهوری اسلامی ایران و عربستان (مطالعه موردی سه کشور عراق، بحرین و یمن)»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا*، ش ۲۳.
۱۳. خلیلی، محسن و همکاران (۱۳۹۲). «مدل‌سازی ژنوم‌های ژئوپولیتیک تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و عراق»، *فصلنامه مطالعات جهان اسلام*، سال اول، ش ۳.
۱۴. دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۲/۱۲/۱۳). «حمله به جمهوری اسلامی ایران رؤیای مشترک اسرائیل و عربستان»، در <http://irdiplomacy.ir/fa/page/1929492.html> تاریخ دستیابی، ۱۳۹۴/۷/۳۰.

۱۵. دیپلماسی ایرانی (اسفند ۱۳۹۳). «نشانه‌های شکل‌گیری محور عربستان - قطر - ترکیه علیه جمهوری اسلامی ایران»، قابل دریافت در <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1944472.html> دسترسی ۱۳۹۴/۸/۵.

۱۶. روزنامه کیهان (۱۳۸۷/۶/۲۴).

۱۷. ساعی، احمد و مهدی علیخانی (۱۳۹۲). «بررسی چرخه تعارض در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با تأکید بر دوره ۱۳۹۲-۱۳۸۴»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال نهم، ش ۲۲.

۱۸. سالدورگر، الهه (۱۳۹۳/۸/۸). «عربستان بازیگری با چند نقش در بحرین، یمن، عراق و سوریه»، به نقل از: <http://sahebnews.ir/146152/>.

۱۹. سایت اشرف (۱۳۹۳/۳/۲۵). «حمله داعش به عراق، جنگ عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران است»، قابل دسترسی در <http://www.eshraf.ir/1841> تاریخ دستیابی ۱۳۹۴/۸/۲۰.

۲۰. سایت الف (۱۳۹۳/۱۲/۱۹). «تلاش‌های عربستان برای تقابل با جمهوری اسلامی ایران در منطقه»، در <http://www.alef.ir/vdcb5fb58rhhb0gp.uiur.html?263021> تاریخ دسترسی ۱۳۹۴/۷/۳۰.

۲۱. سایت فرارو (۱۳۹۴/۶/۱۵). «برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران هر کاری می‌کنیم»، قابل دریافت در <https://fararu.com/fa/news/245845> تاریخ دستیابی ۱۳۹۴/۸/۶.

۲۲. سایت فردا نیوز (۱۳۹۴/۲/۱۴). «بازار گرم فروش اسلحه در کشورهای عربی خلیج فارس/هزینه خرید تسلیحات نظامی در عربستان بیش از ۶/۴ میلیارد دلار»، قابل دریافت در <http://www.fardanews.com/fa/print/415251> تاریخ دسترسی؛ ۱۳۹۴/۷/۳۰.

۲۳. سایت کیهان (۱۳۹۳). <http://kahan.ir/fa/news/39075/> تاریخ انتشار ۱۳۹۳/۱۲/۱۰، تاریخ دستیابی ۱۳۹۴/۸/۱۸.

۲۴. ستاد توسعه اقتصادی ایران و عراق (۱۳۹۴/۶/۱۷). «وزیر اقتصاد از افزایش روابط تجاری جمهوری اسلامی ایران و عراق خبر داد»، قابل دریافت از <http://iieda.gov.ir/?p=2836> تاریخ دسترسی، ۱۳۹۴/۸/۸.

۲۵. سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۶). «نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل؛ مبانی و قالب‌های فکری»، تهران، سمت.

۲۶. الصمادی، فاطمه (۱۳۹۳/۸/۱۱). «عراق در سیاست استراتژیک جمهوری اسلامی ایران»، ترجمه مریم ناصری‌زاده، قابل دریافت در <http://www.shia-online.ir/article.asp?id=37263&cat=5> تاریخ دستیابی ۱۳۹۴/۸/۹.

۲۷. عبدلی، قهرمان (۱۳۸۶). «نظریه بازی‌ها و کاربردهای آن: بازی‌های ایستا و پویا»، تهران، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تهران.

تحلیل روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در عراق در قالب تئوری حرکت‌ها _____ ۳۰۹

۲۸. عرب، علی (۱۳۷۸). «کاربرد نظریه بازی‌ها در علوم انسانی»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال اول، ش ۴.

۲۹. فرهادی، فرزاد (۱۳۹۶). «اهداف و زوایای سفر مقتدا صدر به عربستان»، در <https://www.mehrnews.com/news/4046557> تاریخ دسترسی ۱۳۹۶/۹/۷.

۳۰. قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۹). «بازیگران مؤثر بر عراق آینده: منافع و سناریوها»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، ش ۱، ش ۴۷.

۳۱. کرمی، کامران (۱۳۹۲). «خیزش‌های عربی و چرخش سیاست خارجی عربستان در روند موازنه‌سازی منطقه‌ای»، قابل دریافت در <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920513001248> تاریخ دسترسی؛ ۱۳۹۴/۸/۴.

۳۲. کرمی، کامران (۱۳۹۳). «سلفی‌گری در خاورمیانه عربی، تهران، مرکز چاپ نشر شهر».

۳۳. _____ (۱۳۹۰)، «بهار عربی و عربستان سعودی: آثار و واکنش‌ها»، مجله مطالعات خاورمیانه، ش ۶۶.

۳۴. _____ (۱۳۹۰/۱۱/۱۳). «نقش پنهان عربستان در تحولات عراق»، قابل دریافت در <http://www.kurdpress.com/Fa/NSite/FullStory/News/?Id=21802#Title>

۳۵. لیتل، دانیل (۱۳۷۲). «تبیین در علوم اجتماعی: درآمدی به فلسفه علم الاجتماع»، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.

۳۶. مارش، دیویس و جری استوکر (۱۳۷۸). «روش و نظریه در علوم سیاسی»، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۳۷. مشرق نیوز (۱۳۹۶). سیاست ایران در قبال همه‌پرسی در اقلیم کردستان عراق، دریافت از <https://www.mashreghnews.ir/news/775981/> تاریخ دسترسی ۲۷ شهریور ۱۳۹۶.

۳۸. نامی، محمدحسن و علی محمدپور (۱۳۸۷). «جغرافیای کشور عراق با تأکید بر مسائل ژئوپولیتیک»، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

۳۹. ندیمی، رامین «بازار گرم اسلحه در کشورهای عربی خلیج فارس» به نقل از: <http://www.tisri.org/default-1825.aspx>، تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۴/۲۰.

۴۰. وتسل، ی. س. (۱۳۷۳). «نظریه بازی‌ها و کاربرد آن در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک»، ترجمه جلیل روشندل و علیرضا طیب، تهران، قومس.

41. Brams, J. Steven and M. Jeffrey Togman (1998). "Cooperation Through Threats: the Northern Ireland Case" Political Science (Electronic Version)

- at:<http://www.findarticles.com/p/articles/mi-hb3333/is-199803/ai-n 8046-702>.
42. Brams, J. Steven (2001). "Game Theory and Cuban Missile Crisis", at: <http://www.Plus.maths.org.issue 13/ features/ brams/ index.htm>.
43. _____ (1994). "Theory of Move", Cambridge University Press, at: <http://www.Amazon.com/gp/product/customer-reviews/052/458676/103-9447111>.
44. <http://jahannews.com/vdciypa5rt1apr2.obct.html/433272>.
45. Furtig, Henner (2007). "Conflict and Cooperation in the Persian Gulf: The Interregional Order and US Policy", *Middle East Journal* 61, No. 4.
46. Kechichian, Joseph A. (1999). "Trends in Saudi National Security", *Middle East Journal* 53, No. 2.
47. Kessler, Glen and Dana Priest (2003). The us Underestimates the power of Islam Marchforjustes.com
48. Mearsheimer, Johan and Stephen Walt (2006). The Israel Lobby, at: www.Irb.co.uk/v28/n06/ Johan- Mearsheimer/ the- Israel- Lobby. 23 march 2006.
49. Nasr, Vali (2006). "Behind the rise of the shittes", time.com 19 December, [Http://www.Belfercenter.com](http://www.Belfercenter.com).
50. Okruhlik, Gwenn (2003). "Saudi Arabian-Iranian Relations: External Rapprochement and Internal Consolidation", *Middle East Policy* 10, No. 2.
51. Wehrey, Frederic and et al. (2009). "Saudi-Iranian Relations Since the Fallof Saddam: Rivalry, Cooperation, and Implications for U.S. Policy", Santa Monica, CA: RAND Corporation-National Security Research Division.